

در پاسداشت سالروز عروج شهید عبدالحسین واحدی

۷ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۳۷

در روز ۸ آذر ۱۳۵۵ سید عبدالحسین واحدی در تهران پس از درگیری لفظی به ضرب گلوله کلت کمری آزموده به شهادت می‌رسد.

شهید عبدالحسین واحدی، یار همیشگی شهید نواب صفوی یکپارچه شور، غیرت و مردانگی بود. او که در برابر ستمگران همچون شیرینی غرنده لرزه بر اندام نابکاران می‌انداخت، در برابر ستمدیدگان دستی نوازشگر و قامتی به تواضع خمیده داشت. در واژگان او تسلیم‌پذیری معنا نداشت و همواره با حمیت و غیرتی مثال‌زدنی خواهان عدالت بود و خادم محرومان. این شهید بزرگوار در سال ۱۳۰۸ در شهر کرمانشاه و در خانواده‌ای اصیل و متدین به دنیا آمد. پدرش حاج‌سیدمحمدرضا مجتهدی قمی از بزرگان و علمای تراز اول کرمانشاه و ملجأ درماندگان بود. مادرش خانم آل‌آقا، زنی آگاه، بصیر و بسیار مؤمن بود، از همین‌روى خداوند به او شأن و جایگاه مادر دو شهید را داد، شهیدایی که با خون خود برگ‌های زرینی را به تاریخ معاصر ایران افزودند و در کنار شهید نواب صفوی رهبر فکری و مکتبی فداییان اسلام برای احیای احکام اسلام و ارتقا و عزت مردم مسلمان تا پای جان ایستادگی کردند.

شهید عبدالحسین واحدی مقدمات دروس حوزوی را نزد پدر بزرگوار خویش آموخت و سپس برای ادامه تحصیل به قم و آنگاه به نجف رفت و در آنجا در سال ۱۳۲۵ با شهید نواب صفوی آشنا می‌شود و شور و غیرت دینی او عبدالحسین را شیفته خود می‌سازد. آنها مدتی یار و مونس یکدیگر بودند تا روزی که شهید نواب صفوی تصمیم گرفت به ایران برگردد و مبارزه خود را علیه رژیم شاه و عمال فاسدش ادامه دهد. شهید واحدی که عمری را در انتظار یک رهبر مخلص و متدین طی کرد و از وضعیت اجتماعی و سیاسی دوران خود دل خونی داشت، فرصت را غنیمت شمرد و بی‌آنکه لحظه‌ای تردید به دل راه بدهد، تصمیم گرفت با شهید نواب صفوی برگردد و تحصیلات خود را در قم ادامه بدهد و در عین حال حوزه علمیه قم را به سنگر مبارزه علیه رژیم پهلوی تبدیل کند.

شهید واحدی از بی‌تفاوتی اکثر روحانیون به مسائل سیاسی به‌شدت رنج می‌برد و احساس می‌کرد باید برای آگاه کردن طلبه‌های جوان کاری کرد. از نظر او نخستین وظیفه روحانیت قیام علیه ظلم و پیروی از سیره رسول‌الله(ص) و ائمه اطهار(ع) در جهت اصلاح امور مسلمین بود. بنابراین با شور و غیرتی کم‌نظیر و با سخنرانی‌های آتشین تلاش کرد طلاب جوان را متوجه وظیفه اصلی خود که آگاهی‌بخشی به توده مردم بود، سازد و آنان را به مقابله با ظلم و ذلتی که رژیم شاه بر کشور تحمیل کرده بود، برانگیزد. او همواره فریاد برمی‌آورد که سکوت حوزه در برابر قوانین و اعمال ضد اسلامی رژیم پهلوی، گناهی نابخشودنی است و رژیم را به

ادامه فساد، بیگانه‌پرستی و به باد دادن سرمایه‌های ملی و انسانی ترغیب می‌کند. او سکوت در برابر ظلم و فساد را برنمی‌تابید و از همین روی همواره در پی فرصتی است تا ضرب شستی را به رژیم نشان دهد.

این فرصت هنگامی که شاه تصمیم می‌گیرد جنازه پدرش را به قم بیاورد و دور ضریح مطهر حضرت معصومه(س) طواف بدهد و علمای قم را وادار سازد بر جنازه او نماز بگذارند، به دست می‌آید. شهید واحدی فرصت را مغتنم می‌شمارد و به همه علما و طلاب هشدار می‌دهد اگر در روز تشییع جنازه رضاخان به خیابان بیایند، خودشان مسئول خونشان خواهند بود. کسانی که با منش شهید واحدی آشنا بودند می‌دانستند این هشدار بسیار جدی است و لذا در روز موعود، غیبت روحانیون و طلاب به خوبی مشهود بود و هیچ‌یک از روحانیون هم بر جنازه رضاشاه نماز نگذارد. رژیم ناچار می‌شود برای اینکه آبروی او بیش از این نرود، به عده‌ای از خدمه‌ها و زیارت‌خوان‌های حرم لباس روحانیت بپوشاند که در این کار هم موفق نمی‌شود.

پس از ترور هژیر توسط شهید سیدحسین امامی و اوج گرفتن مبارزات آیت‌الله کاشانی علیه انگلیس، شهید واحدی برای حضور پررنگ‌تر در این مبارزات از قم به تهران مهاجرت و همکاری با فداییان اسلام را به رهبری شهید نواب صفوی آغاز می‌کند و به زودی به مرد شماره دو فداییان اسلام تبدیل می‌شود.

شهید نواب صفوی بسیار به وی اعتماد و اعتقاد داشت و در تصمیمات بزرگ همواره با او مشورت می‌کرد و گاهی به دیگران که از او سؤالاتی داشتند می‌گفت برای گرفتن پاسخ به شهید واحدی رجوع کنند. شهید عبدالحسین واحدی سخنان برجسته‌ای بود و در اغلب گردهمایی‌های فداییان اسلام به سخنرانی می‌پرداخت و زمانی که نواب در زندان بود با سخنان آتشین خود همه را ترغیب می‌کرد که برای آزادی او تلاش کنند. او مدیر لایقی بود و می‌توان گفت اغلب برنامه‌های فداییان اسلام را طراحی می‌کرد، از جمله کارهای برجسته او راه‌اندازی گروه تحقیق و بررسی اخبار و تشکیل انتظامات بود. گروه انتظامات، کلاه‌پوست بر سر می‌گذاشتند، لباس‌های متحدالشکل می‌پوشیدند و بازوبند سبز رنگی با شعار «لا اله الا الله» به بازو می‌بستند.

در روز ۱۱ اسفند سال ۱۳۲۹ فداییان اسلام گردهمایی باشکوهی را در مقابل مسجد شاه برگزار می‌کنند. در این گردهمایی شهید عبدالحسین واحدی بیش از دو ساعت سخنرانی می‌کند و جنایت‌ها و خیانت‌های رژیم پهلوی را برمی‌شمرد و دولت‌های انگلستان، روسیه و امریکا را به دخالت در امور داخلی ایران محکوم می‌کند و فریاد برمی‌آورد که نفت ایران متعلق به مردم ایران است و هیچ بیگانه‌ای حق تصرف آن را ندارد. او به مردم گوشزد می‌کند هیچ‌یک از نمایندگان مجلس نماینده واقعی آنها نیستند. دولت رزم‌آرا احکام اسلام را نمی‌شناسد و قادر به اجرای آن نیست و در پایان هم اعلام می‌کند اگر رزم‌آرا تا سه روز دیگر برکنار نشود، فداییان اسلام او را از سر راه برخواهند داشت. این تهدید پس از چند روز عملی و رزم‌آرا توسط شهید خلیل طهماسبی ترور می‌شود. پس از مرگ رزم‌آرا، مجلس به سرعت و به‌رغم میل خود لایحه ملی شدن صنعت نفت را به تصویب می‌رساند.

در سال ۱۳۳۴، دولت حسین علاء در پی آن است که با امضای پیمان نظامی - اقتصادی سنتو، منافع مردم ایران و کشورهای اسلامی را به خطر بیندازد. فداییان اسلام در این باره به علاء هشدار می‌دهند، اما او اعتنا نمی‌کند. فداییان اسلام به مظفرعلی

ذوالقدر مأموریت می دهند علاء را ترور کند. او در مسجد شاه، علاء را که برای شرکت در مجلس ختم مصطفی کاشانی، فرزند آیت الله کاشانی شرکت کرده بود مورد هدف قرار می دهد، اما علاء جان به در می برد. ذوالقدر دستگیر می شود و زیر شکنجه ها تاب نمی آورد و اعضای برجسته و کادر رهبری فداییان اسلام را لو می دهد. شهید عبدالحسین واحدی پس از ترور نافرجام علاء برای تکمیل مأموریت ذوالقدر به اهواز می رود، اما شناسایی، دستگیر و به تهران اعزام می شود. در تهران پس از درگیری لفظی به ضرب گلوله کلت کمری آزموده به شهادت می رسد، اما رژیم شایعه می کند او در حین فرار هنگام انتقال از اهواز به تهران کشته شده است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۸۸۱/واحدی-عبدالحسین-شهید-عروج-سالروز-پاسداشت/>